

به نام خدا

معلم خلاق

مؤلف :

نگار قیسوندی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: قیسوندی، نگار، ۱۳۶۳-

عنوان و نام پدید آور: معلم خلاق / مولف نگار قیسوندی.

مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.

مشخصات ظاهری: ۱۴۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۵۷۳-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۱۹-۱۴۲.

Teacher effectiveness

موضوع: معلمان -- اثر بخشی

Creative thinking

اندیشه و تفکر خلاق

Educational innovations

آموزش و پرورش -- نوآوری

Classroom management

کلاسداری

رده بندی کنگره: LB1۰۲۵/۳

رده بندی دیویی: ۳۷۱/۱۰۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۷۶۸۴۴

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: معلم خلاق

مولف: نگار قیسوندی

ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

چاپ: زبرجد

قیمت: ۱۱۴۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۵۷۳-۴

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران
Chaponashr.ir

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	فصل اول: رویکردهای آموزشی سنتی در مقابل مدرن
۹	نقش ارزشهای اسلامی و فارسی
۱۲	حقوق قانونی دانش آموزان با نیازهای ویژه
۱۴	فشار برای کلاس های درس فراگیر
۱۹	فصل دوم: شناخت و پرداختن به تنوع یادگیری
۱۹	انواع سبک های یادگیری و هوش های چندگانه
۲۱	عوامل اجتماعی-اقتصادی و برابری آموزشی
۲۴	تغییرات فرهنگی و زبانی در کلاس های درس
۲۷	دستورات قانونی برای آموزش زبان و فرهنگی
۳۰	ملاحظات جنسیتی در تمایز
۳۲	عوامل اجتماعی - عاطفی مؤثر بر یادگیری
۳۵	نقش تشخیص و ارزیابی اولیه
۳۷	حقوق آموزش ویژه و ادغام
۴۱	فصل سوم: راهبردهای عملی برای آموزش متمایز
۴۱	تکالیف لایه ای و گروه بندی انعطاف پذیر
۴۳	فشرده سازی برنامه درسی و شتاب موضوع
۴۶	استفاده از فناوری برای تمایز
۴۹	تابلوه های یادگیری و انتخاب پروژه محور
۵۲	انطباق با محیط کلاس درس و چیدمان صندلی

۵۴ متمایز کردن تکالیف و روش های ارزشیابی
۵۷ ملاحظات قانونی در ارزشیابی دانش آموزان
۶۰ مدیریت کلاس های بزرگ با نیازهای متنوع
۶۳ فصل چهارم: برنامه ریزی مشارکتی و آموزش تیمی
۶۳ مزایای برنامه ریزی مشارکتی
۶۵ الگوهای تدریس مشترک و اجرای آنها
۶۸ پیمایش پویایی بین فردی در میان مربیان
۷۰ دستورالعمل های حقوقی برای همکاری معلمان
۷۲ مشارکت والدین و معلمان در تمایز
۷۵ تعامل با متخصصان و درمانگران خارجی
۷۷ حفظ محرمانگی و حریم خصوصی
۷۹ برخورد حرفه ای به تعارضات و اختلاف نظرها
۸۳ فصل پنجم: نقش فناوری در آموزش متمایز
۸۳ ادغام بسترهای دیجیتال و آموزش الکترونیکی
۸۵ نرم افزار و ابزار یادگیری تطبیقی
۸۷ جنبه های حقوقی دسترسی دیجیتال در آموزش
۹۰ ایمنی آنلاین و ملاحظات اخلاقی
۹۲ واقعیت مجازی و واقعیت افزوده در کلاس های درس
۹۵ سیستم های ارزیابی دیجیتال و بازخورد
۹۷ پرداختن به شکاف دیجیتالی بین دانشجویان
۱۰۰ تلفیق تکنیک های آموزشی سنتی فارسی با فناوری مدرن

فصل ششم: توسعه و رشد حرفه ای.....	۱۰۳
اهمیت یادگیری مادام العمر برای معلمان	۱۰۳
برنامه های آموزشی موجود در ایران	۱۰۶
الزامات قانونی برای گواهینامه و آموزش معلمان	۱۰۸
مربیگری همتایان و یادگیری مشارکتی	۱۱۰
به روز ماندن با روندهای جهانی در آموزش متمایز	۱۱۲
تمرینات انعکاسی و خودارزیابی برای مربیان	۱۱۵
منابع.....	۱۱۹

فصل اول

رویکردهای آموزشی سنتی در مقابل مدرن

مقایسه بین رویکردهای آموزشی سنتی و مدرن در زمینه آموزشی ایران، بینش‌های ارزشمندی را در مورد تحول روش‌های تدریس و مبانی آموزش متمایز ارائه می‌دهد. این بخش به بررسی تحولات تاریخی و پویایی معاصر آموزش در ایران می‌پردازد و تضادها و تداوم رویکردهای سنتی و مدرن را بررسی می‌کند. درک این دوگانگی برای مربیان، سیاستگذاران و محققانی که به دنبال تقویت شیوه‌های تدریس و ترویج تمایز مؤثر در کلاس‌های درس ایرانی هستند، ضروری است.

رویکردهای آموزشی سنتی در ایران ریشه‌های تاریخی عمیقی دارد که متأثر از عوامل فرهنگی، مذهبی و اجتماعی است. این رویکردها منعکس‌کننده شیوه‌های آموزشی قرن هاست که طرز فکر مربیان و یادگیرندگان را به طور یکسان شکل داده است.

در تعلیم و تربیت سنتی ایرانی، حفظ حروف از دیرباز روش غالب آموزش بوده است (علیپور و پارساپور، ۱۳۹۸، ص ۷۶). دانش‌آموزان اغلب متون مذهبی، شعر و گزارش‌های تاریخی را با تأکید زیاد بر تلاوت و تکرار حفظ می‌کنند. این رویکرد با احترام فرهنگی به ادبیات، شعر و متون کلاسیک مانند شاهنامه (کتاب شاهان) فردوسی همسو است.

یکی دیگر از ویژگی‌های بارز تعلیم و تربیت سنتی در ایران، رابطه استاد و شاگرد (استاد شاگرد) است که باعث ایجاد ارتباط نزدیک بین معلمان و دانش‌آموزان می‌شود

(اسفندیاری، ۱۳۸۳، ص ۵۲). در این سیستم، دانش‌آموزان نه تنها موضوع درسی، بلکه ارزش‌های اخلاقی و مهارت‌های زندگی را نیز از معلمان خود می‌آموزند. این مربی شخصی دارای اهمیت فرهنگی پایدار در آموزش و پرورش ایران است.

تلاش‌های نوسازی در ایران، به‌ویژه در قرن بیستم، تحولات چشمگیری در رویکردهای آموزشی ایجاد کرد. ورود آموزش به سبک غربی و تأثیر فیلسوفان تربیتی مانند جان دیویی منجر به دور شدن از روش‌های سنتی شد (بهرنگی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۲).

یکی از مشخصه‌های پداگوژی مدرن در ایران، اتخاذ رویکرد دانش‌آموز محورتر است. مربیان به طور فزاینده‌ای اهمیت یادگیری فعال، تفکر انتقادی و مهارت‌های حل مسئله را تشخیص می‌دهند (عباس زاده، ۱۳۹۹، ص ۳۳). این تغییر با روندهای جهانی در آموزش مطابقت دارد و بر توسعه شایستگی‌های قرن بیست و یکم تأکید دارد.

علاوه بر این، ادغام فناوری در کلاس‌های درس ایران نشان دهنده یک تغییر آموزشی مدرن است. منابع دیجیتال، بسترهای یادگیری آنلاین و نرم افزارهای آموزشی به اجزای جدایی ناپذیر آموزش معاصر تبدیل شده‌اند (دریادل و صبوری، ۲۰۱۸، ص ۲۷۶). این پیشرفت‌های فناوری فرصت‌هایی را برای آموزش‌های شخصی‌شده و متمایز ارائه می‌دهد که نیازهای یادگیری فردی را برآورده می‌کند.

همزیستی رویکردهای آموزشی سنتی و مدرن در آموزش و پرورش ایران، چالش‌ها و تنش‌های خاصی را به دنبال داشته است. در حالی که روش‌های سنتی عمیقاً در فرهنگ ریشه دوانده‌اند و شایستگی‌های خود را دارند، ممکن است همیشه با خواسته‌های دنیایی که به سرعت در حال تغییر است هماهنگ نباشند.

یکی از چالش‌ها در تطبیق میراث فرهنگی غنی آموزش سنتی با نیاز به نوآوری و سازگاری نهفته است. مربیان ایرانی اغلب با یافتن تعادل بین حفظ ارزش‌های فرهنگی و پذیرش روش‌های آموزشی مترقی دست و پنجه نرم می‌کنند (شجاعی و ابیلی، ۱۳۹۵، ص ۱۸۱).

علاوه بر این، نابرابری در دسترسی به ابزارها و منابع آموزشی مدرن در مناطق مختلف ایران باعث ایجاد نابرابری آموزشی می شود (یعقوبی، ۱۳۹۹، ص ۸۹). در حالی که مناطق شهری ممکن است دسترسی بهتری به فناوری و شیوه‌های آموزشی مدرن داشته باشند، مناطق روستایی ممکن است هنوز به شدت به روش‌های سنتی متکی باشند.

مقایسه رویکردهای آموزشی سنتی و مدرن بر اهمیت آموزش متمایز در ایران تاکید دارد. مریدان نیاز به تطبیق روش‌های آموزشی خود را برای برآوردن نیازهای یادگیری متنوع دانش‌آموزان در دنیایی که به سرعت در حال تغییر است، تشخیص می‌دهند (سعیدی و احمدی، ۲۰۱۹، ص ۵۷). آموزش متمایز چارچوبی برای انطباق با سبک‌ها، توانایی‌ها و زمینه‌های مختلف یادگیری ارائه می‌کند و شکاف بین سنت و مدرنیته را در آموزش ایرانی پر می‌کند.

کنار هم قرار گرفتن رویکردهای آموزشی سنتی و مدرن در ایران نشان دهنده میراث غنی فرهنگی کشور و آرزوهای آن برای پیشرفت آموزشی است. در حالی که روش‌های سنتی ارزش پایداری دارند، ادغام رویکردهای مدرن پاسخی به تقاضاهای در حال تحول دنیای جهانی شده است. پذیرش آموزش متمایز به عنوان پلی بین سنت و مدرنیته، نویدبخش تقویت شیوه‌های آموزشی فراگیر، مؤثر و سازگار در بافت ایرانی است.

نقش ارزشهای اسلامی و فارسی

شیوه آموزش متمایز در ایران صرفاً توسط نظریه‌های آموزشی و الگوهای آموزشی شکل نمی‌گیرد، بلکه عمیقاً تحت تأثیر ملایه‌های غنی ارزش‌های اسلامی و فارسی است که در تاریخ و فرهنگ کشور رسوخ کرده است. این ارزش‌ها نقش محوری در شکل‌دهی چشم‌انداز آموزشی، تأثیرگذاری بر توسعه برنامه درسی، روش‌های تدریس و رویکرد کلی آموزش در ایران دارند. این بخش به تعامل پیچیده بین ارزش‌های اسلامی و فارسی و کاربرد آموزش متمایز در بافت ایرانی می‌پردازد. درک این رابطه برای مریدان و پژوهشگرانی که به دنبال کشف مبانی آموزش متمایز در ایران و همسویی آن با ارزش‌های فرهنگی و مذهبی هستند، ضروری است.

ایمان و اخلاق: ارزش‌های اسلامی بر اهمیت ایمان، اخلاق و رفتار اخلاقی در همه شئون زندگی از جمله تربیت تأکید دارد (محمدی، ۱۳۹۷، ص ۹۲). مربیان ایرانی این ارزش‌ها را با پرورش احساس مسئولیت اخلاقی در بین دانش‌آموزان و ترویج فضایل مانند صداقت، شفقت و درستکاری در روش‌های آموزشی خود وارد می‌کنند. با انجام این کار، آنها یک پایه اخلاقی ایجاد می‌کنند که بر اساس آن می‌توان آموزش متمایز ایجاد کرد. شمولیت و برابری: اسلام از شمولیت و برابری در آموزش دفاع می‌کند و تأکید می‌کند که دانش باید در دسترس همگان باشد (حسنی و اسلامی، ۱۳۹۸، ص ۳۴). آموزش متمایز با این اصول مطابقت دارد و روش‌های آموزشی را متناسب می‌سازد تا یادگیرندگان متنوع، از جمله آن‌هایی که نیازهای ویژه یا سبک‌های یادگیری منحصر به فردی دارند، در نظر گرفته شود.

اجتماع و تعاون: ارزش‌های اسلامی بر اهمیت اجتماع و همکاری بین دانش‌آموزان و مربیان تأکید دارد (هاشمی، ۱۳۹۶، ص ۵۵). این ارزش‌ها یادگیری مشارکتی و حمایت همسالان را تشویق می‌کنند، که اجزای جدایی‌ناپذیر آموزش متمایز هستند، جایی که دانش‌آموزان اغلب برای دستیابی به اهداف یادگیری خود با هم کار می‌کنند.

احترام به بزرگان و اقتدار: فرهنگ فارسی بر احترام به بزرگان و مرجعیت تأکید زیادی دارد (کشاورز، ۱۳۸۲، ص ۷۸). این ارزش فرهنگی در نظام آموزشی ایران منعکس شده است، جایی که دانش‌آموزان به معلمان خود احترام می‌گذارند. مربیان نیز به نوبه خود از این احترام برای ایجاد یک محیط یادگیری مساعد که برای آموزش متمایز مساعد است استفاده می‌کنند.

هنر و زیبایی شناسی: فرهنگ ایرانی سابقه ای طولانی در قدردانی از هنر و زیبایی شناسی دارد (سمسار، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲). مربیان این ارزش‌ها را با استفاده از مواد خلاقانه و جذاب بصری در روش‌های آموزشی خود وارد می‌کنند و درک زیبایی را در فرآیند یادگیری تقویت می‌کنند.

قصه گوئی و سنت شفاهی: فرهنگ ایرانی به داستان سرایی و سنت شفاهی به عنوان وسیله ای برای انتقال دانش و خرد اهمیت زیادی می دهد (یارشاطر، ۱۳۶۷، ص ۴۵). مربیان اغلب از تکنیک های داستان گوئی در درس های خود استفاده می کنند و یادگیری را جذاب تر و به یاد ماندنی تر می کنند، و این یکی از جنبه های کلیدی آموزش متمایز است.

توسعه برنامه درسی: ارزش های اسلامی و فارسی نقش مهمی در شکل دادن به برنامه درسی در ایران ایفا می کنند. مربیان و طراحان برنامه درسی اطمینان حاصل می کنند که موضوعات و مواد با این ارزش ها همسو هستند و چارچوبی اخلاقی و فرهنگی را فراهم می کنند که در آن آموزش متمایز می تواند رشد کند (رحیمی و خدابخش، ۲۰۲۱، ص ۶۷).

روش های تدریس: ارزش های شمولیت، برابری و همکاری با اصول آموزش متمایز همسو هستند (حقیقی، ۱۳۹۵، ص ۸۱). مربیان از این ارزش ها برای ایجاد استراتژی های آموزشی متنوع و دانش آموز محور استفاده می کنند که نیازهای منحصر به فرد هر یادگیرنده را برآورده می کند.

ارزشیابی: ارزش های اسلامی و فارسی نیز بر روش های سنجش و ارزشیابی مورد استفاده در آموزش و پرورش ایرانی تأثیر می گذارد (رستمی و برجسته، ۱۳۹۸، ص ۱۱۲). مربیان نه تنها دستاوردهای تحصیلی، بلکه رشد اخلاقی و اجتماعی را نیز در نظر می گیرند، که منعکس کننده یک رویکرد کل نگر است که با آموزش متمایز سازگار است.

نقش ارزشهای اسلامی و فارسی در آموزش متمایز ایران عمیق و چندوجهی است. این ارزش ها چارچوب اخلاقی، فرهنگی و اخلاقی را فراهم می کنند که در آن آموزش طراحی و ارائه می شود. مربیان در ایران از این ارزش ها برای ایجاد محیط های یادگیری فراگیر، عادلانه و دانش آموز محور استفاده می کنند که با اصول اصلی آموزش متمایز همسو می شوند. همانطور که ایران به حرکت در چشم انداز آموزشی خود ادامه می دهد،

درک تعامل بین این ارزش ها و رویکردهای آموزشی برای مربیان، محققان و سیاست گذارانی که به دنبال ارتقای کیفیت و ارتباط آموزش در کشور هستند ضروری است.

حقوق قانونی دانش آموزان با نیازهای ویژه

حقوق قانونی دانش آموزان با نیازهای ویژه در ایران جنبه مهمی از چشم انداز آموزشی را نشان می دهد که نشان دهنده تعهد کشور به فراگیری و دسترسی برابر به آموزش برای همه است. این بخش به توسعه تاریخی چارچوبهای قانونی مربوط به دانش آموزان با نیازهای ویژه در ایران می پردازد و اقدامات قانونی و سیاست گذاری فعلی با هدف حفظ حقوق آنها را بررسی می کند. درک مبانی قانونی برای مربیان، سیاستگذاران و مدافعانی که برای ترویج اصول آموزش متمایز در چارچوب آموزش فراگیر در ایران تلاش می کنند ضروری است.

حقوق قانونی دانش آموزان با نیازهای ویژه در ایران طی سالیان متمادی به طور قابل توجهی پیشرفت کرده است. برای درک وضعیت کنونی، ردیابی بافت تاریخی قانون آموزش ویژه در کشور مهم است. یکی از اولین مصوبات قانونی در مورد حقوق افراد دارای معلولیت، تأسیس سازمان بهزیستی در سال ۱۹۵۲ بود (مجدزاده و احمدی، ۱۳۹۶، ص ۵۸). در حالی که این سازمان در درجه اول بر رفاه اجتماعی متمرکز بود، زمینه را برای تحولات آتی در آموزش استثنایی فراهم کرد.

انقلاب ۱۳۵۷ ایران و پیامدهای آن تغییراتی را در رویکرد آموزش و ناتوانی ایجاد کرد. در سالهای اولیه پس از انقلاب، تأکید زیادی بر ارائه آموزش و آموزش حرفه‌ای برای افراد دارای معلولیت وجود داشت (کرمی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۱۹). این دوره سرآغاز تلاش های رسمی برای رفع نیازهای آموزشی دانش آموزان با نیازهای ویژه در ایران بود.

یکی از اسناد اساسی حقوقی مربوط به حقوق دانش آموزان با نیازهای ویژه در ایران، قانون جامع حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۱۳۸۳ است (مجدزاده و احمدی، ۱۳۹۶، ص ۶۱). این قانون جامع جنبه های مختلف حقوق معلولیت از جمله

آموزش را تشریح می کند. بر حق آموزش فراگیر، تسهیلات معقول و فرصت های برابر برای دانش آموزان دارای معلولیت تاکید می کند.

علاوه بر این، قانون اساسی ایران، بازنگری شده در سال ۱۹۸۹، حق تحصیل را برای همه شهروندان از جمله معلولان به رسمیت می شناسد (مقدم، ۱۳۹۷، ص ۴۸). این ماده قانون اساسی بر تعهد دولت به ارائه دسترسی برابر به آموزش، صرف نظر از توانایی های جسمی یا شناختی افراد تأکید می کند.

در سال های اخیر، دولت ایران گام های مهمی برای همسو کردن سیاست های آموزشی با مقررات قانونی برای حمایت از دانش آموزان با نیازهای ویژه برداشته است. سازمان آموزش و پرورش استثنایی ایران که در سال ۱۳۵۹ تأسیس شد، نقش تعیین کننده ای در تدوین سیاست ها و راهبردهای آموزش فراگیر دارد (کریمی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۲۲۱). یکی از سیاست های قابل توجه معرفی شده، ادغام دانش آموزان دارای معلولیت در مدارس معمولی، ترویج اصول آموزش متمایز برای برآوردن نیازهای آموزشی متنوع است (رمضانی و همکاران، ۲۰۲۰، ص ۱۵).

در سال ۲۰۱۹، ایران کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق افراد دارای معلولیت (CRPD) را تصویب کرد و بر تعهد خود به حمایت و ارتقای حقوق افراد دارای معلولیت از جمله دسترسی به آموزش فراگیر تأکید کرد (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۹). این تعهد بین المللی، تلاش ها را برای بهبود زیرساخت های آموزشی، آموزش معلمان و خدمات پشتیبانی لازم برای اجرای مؤثر آموزش متمایز در ایران تسریع کرده است (قریب و همکاران، ۲۰۲۱، ص ۳۱۹).

علیرغم چارچوب های قانونی و ابتکارات سیاستی، چالش ها در تضمین تحقق کامل حقوق قانونی دانش آموزان با نیازهای ویژه در ایران وجود دارد. مسائلی مانند دسترسی محدود به منابع تخصصی، آموزش ناکافی معلمان در فنون آموزشی متمایز، و انگ اجتماعی همچنان موانعی هستند (مقدم و شریفی، ۲۰۲۱، ص ۳۶۷). علاوه بر این، نیاز

به نظارت و ارزیابی مستمر برنامه‌های آموزش فراگیر برای رسیدگی به نابرابری‌ها و اطمینان از اجرای مؤثر بسیار مهم است.

در آینده، برای ایران ضروری است که به تلاش‌های خود برای تقویت حمایت‌های قانونی و ساختارهای حمایتی از دانش‌آموزان با نیازهای ویژه ادامه دهد. این شامل سرمایه‌گذاری در برنامه‌های آموزش معلمان است که بر استراتژی‌های آموزشی متمایز متناسب با نیازهای متنوع دانش‌آموزان دارای معلولیت تأکید دارند (حسینی و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۱۱۷). علاوه بر این، تقویت آگاهی و تغییر نگرش‌های اجتماعی نسبت به معلولیت در ایجاد یک محیط آموزشی فراگیر که از حقوق قانونی همه دانش‌آموزان حمایت می‌کند، مفید خواهد بود.

حقوق قانونی دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در ایران در طول زمان تکامل یافته است که نشان دهنده تعهد کشور به آموزش فراگیر است. از تلاش‌های اولیه قانون‌گذاری تا تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی، ایران گام‌های مهمی در به رسمیت شناختن و حفاظت از حقوق افراد دارای معلولیت برداشته است. با این حال، چالش‌ها در تبدیل مقررات قانونی به شیوه‌های آموزشی مؤثر وجود دارد. برای تحقق کامل اصول آموزش متمایز در آموزش فراگیر، تلاش مستمر در اجرای سیاست، آموزش معلمان و آگاهی اجتماعی ضروری است. درک مبانی تاریخی و قانونی این حقوق برای ایجاد یک محیط آموزشی فراگیر که به نفع همه دانش‌آموزان در ایران باشد، بسیار مهم است.

فشار برای کلاس‌های درس فراگیر

پیگیری کلاس‌های درس فراگیر در ایران نشان دهنده بعد مهمی از پایه‌های گسترده تر آموزش متمایز در کشور است. این بخش به زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و آموزشی می‌پردازد که فشار برای فراگیری در مدارس ایران را شکل داده‌اند. بررسی سیر تحول سیاست‌ها و شیوه‌های آموزش فراگیر برای درک چگونگی تلاش ایران برای برآوردن نیازهای آموزشی متنوع دانش‌آموزان، و در نتیجه کمک به توسعه آموزش‌های متفاوت

ضروری است. این کاوش جامع عوامل مختلفی را که بر حرکت به سمت کلاس های درس فراگیر در نظام آموزشی ایران تأثیر گذاشته اند، روشن می کند.

برای درک فشار برای کلاس های درس فراگیر در ایران، شناخت عوامل تاریخی و فرهنگی که نقش اساسی در شکل دادن به رویکرد کشور به آموزش داشته اند، ضروری است. تاریخ غنی و تنوع فرهنگی ایران از دیرباز مشخصه های جامعه و به تبع آن نظام آموزشی آن بوده است (علم الهدی، ۱۳۹۶، ص ۶۸). این تأثیرات تاریخی و فرهنگی به تأکید بر فراگیری در آموزش ایرانی کمک کرده است.

از لحاظ تاریخی، ایران محل زندگی گروه های قومی و زبانی گوناگون بوده است که نتیجه آن جامعه ای کثرت گرا بوده است. این تنوع، توسعه شیوه های فراگیر را ضروری کرده است تا اطمینان حاصل شود که همه دانش آموزان، صرف نظر از پیشینه شان، به آموزش با کیفیت دسترسی دارند (جعفری، ۱۳۹۸، ص ۹۲). ارزش های فرهنگی مانند مهمان نوازی، وحدت و انسجام اجتماعی نیز در ارتقای فراگیری در کلاس های درس ایرانی نقش داشته اند (منصوری و باقری، ۱۳۹۹، ص ۱۲۴). این ارزش ها بر اهمیت استقبال و انطباق با تفاوت ها تأکید دارند.

تلاش برای کلاس های درس فراگیر در ایران با ارائه سیاست ها و قوانین آموزشی با هدف ارتقای فرصت های آموزشی برابر برای همه دانش آموزان شتاب بیشتری گرفت. دولت ایران، همسو با استانداردهای بین المللی، اقداماتی را برای اطمینان از ادغام دانش آموزان دارای معلولیت، نیازهای خاص و پیشینه های متنوع در آموزش معمولی انجام داده است (جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳، ص ۱۵). قانون جامع حقوق افراد دارای معلولیت مصوب ۱۳۸۳ نقطه عطف مهمی در پیشبرد آموزش فراگیر در ایران بود (ادیب سرشکی، ۱۳۹۸، ص ۵۱).

براساس این قانون، دانش آموزان دارای معلولیت حق دسترسی به محیط های آموزشی فراگیر و دریافت خدمات حمایتی مناسب را دارند (جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳، ص ۲۷). علاوه بر این، دولت مراکز آموزشی تخصصی و اتاق های منابع را در مدارس عادی

ایجاد کرده است تا کمک‌های هدفمند به دانش‌آموزان با نیازهای متنوع ارائه کند (نجفی و زمانی، ۲۰۱۸، ص ۷۸). این اقدامات سیاستی نشان دهنده تعهد به آموزش فراگیر در ایران است و راه را برای آموزش متمایز متناسب با الزامات یادگیری فردی هموار کرده است.

اجرای مؤثر آموزش فراگیر به شدت به آمادگی مربیان متکی است. در ایران، تلاش‌هایی برای ارتقای برنامه‌های تربیت معلم و توسعه حرفه‌ای برای تجهیز مربیان به مهارت‌ها و دانش مورد نیاز برای ایجاد کلاس‌های درس فراگیر انجام شده است (صادقی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۲). وزارت آموزش و پرورش واحدهای آموزشی آموزش فراگیر را برای حمایت از معلمان در تامین نیازهای متنوع دانش‌آموزان خود معرفی کرده است (جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶، ص ۳۴).

این برنامه‌های آموزشی بر اصول آموزش متمایز به‌عنوان وسیله‌ای برای پرداختن به سبک‌ها و توانایی‌های یادگیری متنوع موجود در کلاس‌های فراگیر تأکید دارند (باقری و توکلی، ۱۳۹۹، ص ۵۶). مربیان تشویق می‌شوند تا روش‌های آموزشی، مواد و ارزیابی‌های خود را برای تطبیق با تفاوت‌های فردی و در عین حال حفظ استانداردهای تحصیلی بالا تطبیق دهند.

علیرغم پیشرفت‌های صورت گرفته در ارتقای کلاس‌های درس فراگیر در ایران، چالش‌ها همچنان ادامه دارد. منابع محدود، شلوغی کلاس‌ها و نیاز به آموزش بیشتر معلمان از جمله موانعی است که باید برطرف شود (دولتی، ۱۳۹۴، ص ۶۷). علاوه بر این، نگرش‌های اجتماعی و انگ‌های پیرامون معلولیت و نیازهای ویژه همچنان بر فراگیر شدن محیط‌های آموزشی تأثیر می‌گذارد (میرزایی، ۱۳۹۹، ص ۴۵).

با نگاهی به آینده، فشار برای کلاس‌های درس فراگیر در ایران مستلزم تعهد مستمر به اجرای سیاست، توسعه حرفه‌ای معلمان و مشارکت جامعه است. تلاش برای شکستن موانع اجتماعی و افزایش آگاهی در مورد مزایای آموزش فراگیر بسیار مهم است (نادری، ۱۳۹۷، ص ۸۸). از آنجایی که ایران تلاش می‌کند تا محیط‌های آموزشی را ایجاد کند

که در آن هر دانش‌آموزی بتواند در آن پیشرفت کند، پایه‌های آموزش متمایز تقویت می‌شود و تضمین می‌کند که نیازهای آموزشی متنوع همه دانش‌آموزان برآورده می‌شوند.

تلاش برای کلاس‌های درس فراگیر در ایران سفری چند وجهی است که ارزش‌های تاریخی، فرهنگی و آموزشی کشور را منعکس می‌کند. تعهد ایران به فراگیری، همانطور که از طریق اقدامات سیاستی، قوانین و آموزش معلمان مشهود است، با اصول آموزش متمایز مطابقت دارد. با بررسی سیر تحول فراگیری در آموزش و پرورش ایران، به بینش‌های ارزشمندی درباره مبانی آموزش متمایز در کشور دست می‌یابیم. از آنجایی که ایران به پیشبرد دستور کار آموزش فراگیر خود ادامه می‌دهد، پتانسیل افزایش نتایج آموزشی برای همه دانش‌آموزان نیروی محرکه در شکل دادن به آینده کلاس‌های درس آن باقی می‌ماند.

فصل دوم

شناخت و پرداختن به تنوع یادگیری

انواع سبک های یادگیری و هوش های چندگانه

شناخت و پرداختن به تنوع یادگیری یک جنبه حیاتی آموزش موثر در سراسر جهان است و ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. شناخت انواع مختلف سبک های یادگیری و هوش های چندگانه موجود در فضای آموزشی ایران برای مربیان، سیاست گذاران و پژوهشگران ضروری است. این بخش به بافت پیچیده تنوع یادگیری در ایران می پردازد و به بررسی سبک های مختلف یادگیری و هوش های چندگانه ای می پردازد که دانش آموزان به کلاس درس می آورند. با شناخت و تطبیق این رویکردهای متنوع در یادگیری، مربیان می توانند تجارب آموزشی فراگیرتر و موثرتری را برای دانش آموزان ایرانی ایجاد کنند.

در بافت ایرانی، سبک های یادگیری به روش های ترجیحی افراد برای کسب، پردازش و حفظ اطلاعات اشاره دارد. چندین مدل سبک یادگیری برجسته برای دسته بندی این ترجیحات استفاده شده است و در چارچوب آموزشی ایران اقتباس و مطالعه شده است.

یکی از مدل های شناخته شده مدل VARK است که زبان آموزان را به چهار سبک اصلی دسته بندی می کند: دیداری، شنیداری، خواندن/نوشتن، و حرکتی (فلمینگ و

میلز^۱، ۱۹۹۲، ص. ۳۵). در ایران، مطالعات نشان داده‌اند که دانش‌آموزان اغلب ترجیحات متفاوتی برای این سبک‌ها دارند، برخی به سمت یادگیری دیداری یا شنیداری گرایش دارند، در حالی که برخی دیگر ممکن است رویکرد جنبشی‌تر را ترجیح دهند (نصیری و رحمانی، ۲۰۱۹، ص ۱۷۶). شناخت این اولویت‌ها می‌تواند به مربیان کمک کند تا روش‌های آموزشی خود را برای پاسخگویی به یک کلاس درس متنوع تنظیم کنند.

مدل دیگر سبک یادگیری، نظریه یادگیری تجربی کلب، چهار سبک یادگیری را مشخص می‌کند: واگرا، جذب، همگرا، و سازگار (کلب^۲، ۱۹۸۴، ص ۲۱). در بافت ایرانی، تحقیقات نشان داده است که دانش‌آموزان ممکن است ترکیبات مختلفی از این سبک‌ها را نشان دهند که منعکس‌کننده رویکردهای منحصر به فرد آنها در یادگیری است (صفوی، ۱۳۹۹، ص ۹۲). درک این سبک‌ها می‌تواند به مربیان در طراحی استراتژی‌های آموزشی که با ترجیحات دانش‌آموزانشان همخوانی دارد، کمک کند.

نظریه هوش چندگانه هاوارد گاردنر بیان می‌کند که هوش یک موجودیت یکپارچه نیست، بلکه مجموعه‌ای متنوع از ظرفیت‌هاست که هر کدام دارای نقاط قوت منحصر به فرد خود هستند (گاردنر^۳، ۱۹۸۳، ص ۶۶). در ایران، این نظریه با اذعان مربیان به ماهیت چندوجهی هوش انسانی، مورد توجه قرار گرفته است.

یکی از هوش‌های اولیه شناسایی شده توسط گاردنر، هوش زبانی است که به مهارت زبان و ارتباطات کلامی مربوط می‌شود. در ایران، این هوش بسیار ارزشمند است، زیرا زبان فارسی از اهمیت فرهنگی و تاریخی قابل توجهی برخوردار است (عابدی، ۱۳۹۵، ص ۵۴). در نتیجه، هوش زبانی اغلب در محیط‌های آموزشی ایران با تمرکز بر مهارت‌های خواندن، نوشتن و سخنوری مورد تأکید قرار می‌گیرد.

1 -Fleming & Mills

2- Kolb

3 -Gardner